



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۴۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای حمید نقی زاده سی سخت

در بررسی یک نظریه اگر تنها به تبعات و لوازم آن توجه شود، چه بسا بحث‌های پردامنه‌ای مطرح شود؛ غافل از آنکه ابتدا لازم است ادله اثبالت یا رد نظریه مورد بررسی قرلر گیرد.

مرحوم شهید صدر(ره) در رابطه با سومین تقریر از رکن چهارم استصحاب، همین امر را مورد توجه قرار داده‌اند. ایشان پس از بیان برخی اظهار نظرها و مطالب قابل طرح در مورد این تقریر، ادعا کردند که این قول از اساس باطل است. درس گذشته را با طرح این ادعا به پایان رساندیم. اینک برآنیم تا با ادله مصنف در این رابطه آشنا شویم.

[و الأولى فى دفع الإشكال رفض هذه الصيغة الثالث] إذ لا دليل عليها سوى أحد أمرين:

الأول: ان المستصحب إذا لم يكن حكماً شرعياً و لا موضوعاً لحكم شرعى كان أجنبياً عن الشارع فلا معنى للتعبد به شرعاً. و الجواب: عن ذلك ان التعبد الشرعى معقول فى كل مورد ينتهى فيه إلى التنجيز و التعذير، و هذا لا يختص بما ذكر فان التعبد بوقوع الامتنال أو عدمه ينتهى إلى ذلك أيضاً.

الثانى: ان مفاد دليل الاستصحاب جعل الحكم المماثل ظ اهرأ، فلا بد ان يكون المستصحب حكماً شرعياً أو موضوعاً لحكم شرعى ليتمكن جعل الحكم المماثل على طبقه. و الجواب: عن ذلك انه لا موجب لاستفادة جعل الحكم المماثل بعنوانه من دليل الاستصحاب، بل مفاده النهى عن نقض اليقين بالشك اما بمعنى النهى عن النقض العملى بداعى نتجيز الحالة السابقة بقاء، و اما بمعنى النهى عن النقض الحقيقى إرشاداً إلى بقاء اليقين السابق أو بقاء المتيقن السابق ادعاءً، و على كل حال فلا يلزم ان يكون المستصحب حكماً أو موضوعاً لحكم، بل ان يكون امراً قابلاً للتنجيز و التعذير لكى يتعلق به التعبد على أحد هذه الأنحاء.

دیدگاه شهید صدر در مورد تقریر سوم

گفتیم که شکل سوم ارائه شده در مورد تقریر چهارم، قائل است که استصحاب یا در احکام شرعی یا در موضوعات احکام شرعی جاری است. اشکال شده که طبق این تقریر در موارد شک در جزء متعلق تکلیف یا شرط متعلق تکلیف جایی برای استصحاب نیست؛ در حالی که مورد تعدادی از روایات بر جریان استصحاب در قیود مربوط به متعلق تکلیف دلالت دارد. جهت دفع این اشکال مطالبی ارائه شد که مورد پذیرش مصنف نبود؛ بلکه ایشان شکل سوم را به طور کلی کنار می‌گذارد؛ زیرا مدعی است دلیلی برای تثبیت شکل سوم وجود ندارد؛ جز دو دلیل که هر دو مخدوش هستند.

دلیل اول تقریر سوم

دلیل اول این است که بگوییم مستصحاب، اگر حکم شرعی یا موضوع حکم شرعی نباشد نسبت به شارع بیگانه خواهد بود؛ پس معقول نیست که تعبد به این دلیل تشریح شود.

نقد دلیل اول

اگر کسی این گونه بپندارد سخنی باطل بیان کرده است؛ زیرا تعبد شرعی در هر موردی که به تنجیز یا تعذیر بیا نجامد معقول است؛ مثل این که شک مکلف در شرط یا جزء متعلق حکم شرعی باشد، که با استصحاب، اثبات یا نفی می‌شوند و در هر دو حالت اثر شرعی مترتب است. اگر شرط یا جزء متعلق امر احراز شد امر امتثال شده است و جنبه معذرت خواهد داشت؛ مکلفی که با استصحاب، طهارت لباس خود را ممتثل می‌داند معذور است. بنابراین در مواردی که متعلق تکلیف مشکوک است اجرای استصحاب دارای اثر عملی است و مربوط به شارع مقدس است.

متن عربی و نکات تطبیقی

[و الأولى فی دفع الإشکال رفض هذه الصیغة الثالث] إذ لا دلیل علیها سوی أحد امرئ:

الأول: - ان المستصحب إذا لم یکن حکماً شرعياً و لا موضوعاً لحکم شرعی کان أجنبياً عن الشارع فلا معنی للتعبد به شرعاً و الجواب: عن ذلك ان التعبد الشرعی معقول فی کل مورد ینتهی (۱) فیه إلی التنجیز و التعذیر، و هذا لا یختص بما ذکر (۲) فان التعبد بوقوع الامتثال أو عدمه (۳) ینتهی إلی ذلك أيضاً.

۱. مرجع ضمیر: تعبد.

۲. یعنی: حکم شرع و موضوع حکم شرعی.

۳. مرجع ضمیر: وقوع.

Sc01: ۰۷:۱۳

دلیل دوم تقریر سوم

دلیل دیگری که ممکن است در راستای اثبات تقریر سوم ارائه شود این است که مفک حکم استصحاب، جعل حکم مماثل به نحو ظاهری است، به این معنا که وقتی مکلف موظف به استصحاب می‌شود، حکمی مماثل با مستصحب یا موضوع مستصحب به شکل ظاهری جعل می‌شود.

به عنوان مثال اگر وجوب نماز جمعه در عصر غیبت استصحاب شود این وجوب مستصحب، مماثل وجوب زمان حضور است.

روشن است که اگر مستصحب نه حکم شرعی باشد و نه موضوع حکم شرعی، جایی برای جعل حکم مم اثل نیست. وقتی محدث بودن مکلف در وقت نماز استصحاب می شود چه حکم مماثلی باید جعل شود؟ اینجاست که وقوع یا عدم وقوع امتثال معلوم نخواهد بود. حکم شرعی وجود ندارد که شارع طبق مفاد دلیل استصحاب بر مکلف، به عنوان مماثل جعل کند.

متن عربی و نکات تطبیقی

الثانی: ان مفاد دلیل الاستصحاب جعل الحکم المماثل ظاهراً (۱)، فلا بد ان یکون المستصحب حکماً شرعياً أو موضوعاً لحکم شرعی لیمکن جعل الحکم المماثل علی طبقه.
۱. قید جعل است.

SCO۲: ۱۰:۳۹

نقد دلیل دوم

شهید صدر(ره) پاسخ می دهد دلیلی نداریم که مفاد دلیل استصحاب جعل حکم مماثل است. در مواردی که مکلف شک دارد، حکمی به نحو ظاهری برای او ثابت می شود، اما مفهومش این نیست که ملتزم شویم مفاد دلیل استصحاب، جعل حکم مماثل است؛ آنچه که از مفاد دلیل استصحاب بر می آید فقط نهی از نقض یقین به هنگام شک است که سه تفسیر دارد:

اگر مراد از نهی در دلیل استصحاب نهی مولوی است که متعلق به نقض عملی تکلیف شده باشد پس مقصود تنجیز حالت سابقه است و اگر نهی ارشادی به عدم قدرت مکلف بر نقض حقیقی یقین سابق است که یا شارع مقدس با نهی ارشادی می خواهد تعبد به یقین سابق را اعتباراً باقی بداند یا این که به مکلف بگوید که متعبد به بقای متیقن در عالم اعتبار شده است.

مفاد دلیل استصحاب هر کدام از این سه مورد باشد شکل سوم اثبات نمی شود؛ اگر مفاد دلیل، نهی مولوی باشد شکل دوم اثبات می شود. اگر مراد نقض حقیقی باشد، با هر دو دیدگاه شکل اول ثابت می گردد و اگر مفاد دلیل را مجمل تلقی کنیم باز هم شکل دوم اثبات می شود. بنابراین هیچ دلیلی برای تقریر سوم قابل پذیرش نیست.

متن عربی و نکات تطبیقی

و الجواب: عن ذلک انه لا موجب لاستفاده جعل الحکم المماثل بعنوانه (۱) من دلیل الاستصحاب، بل مفاده النهی عن نقض الیقین بالشک اما بمعنی النهی عن النقض العملي بداعي تنجيز الحالة السابقة بقاء، و اما بمعنی النهی عن النقض الحقيقي إرشاداً إلى بقاء الیقین السابق أو بقاء المتیقن السابق ادعاءً، و علی کل حال فلا یلزم ان یکون المستصحب حکماً أو موضوعاً لحکم، بل ان یکون امراً قابلاً للتنجيز و التعذیر لکی يتعلق به (۲) التعبد علی أحد هذه الأنحاء.

۱. مرجع ضمیر: جعل

SCO۲:۲۱:۱۸

۲. مرجع ضمیر: مستصحب.

چکیده:

۱. شهید صدر(ره) مدعی است دلیلی برای تثبیت شکل سوم وجود ندارد، جز دو دلیل که هر دو مخدوش هستند.
۲. دلیل اول این است که بگوییم مستصحب، اگر حکم شرعی یا موضوع حکم شرعی نباشد معقول نیست که تعبد به این دلیل تشریح شود.
۳. پاسخ دلیل اول این است که تعبد شرعی در هر موردی که به تنجیز یا تعذیر بیانجامد معقول است.
۳. دلیل دیگر این است که مفاد حکم استصحاب جعل حکم مماثل به نحو ظاهری است. بنابر این اگر مستصحب نه حکم شرعی باشد نه موضوع حکم شرعی جایی برای جعل حکم مماثل نیست.
۴. پاسخ دلیل دوم این است که دلیلی نداریم که مفاد دلیل استصحاب جعل حکم مماثل است.